



رونمایی از گزارشی که برنامه ریزی غریبها برای جنگ با ایران را نشان می دهد

شکست پروژه ۲۲ ساله

پشتوانه مقاومت ایران بود. اما نتیجه چه شد؟ گزارش محرمانه افشا شده از دیدار ژنرال «شلومی بایندر» (رئیس آمان) با «مایک والتز» (مشاور امنیت ملی آمریکا) اعترافی را برملا کرد: «ایران هنوز حدود ۲۰۰۰ موشک بالستیک سنگین در اختیار دارد.» این یعنی پس از ۲۲ سال تمرین ارتش آمریکا و طرح ریزی مוסاد، ۱۲ روز بمباران سنگین و ترور ۱۱ دانشمند، همدستی اطلاعاتی و امنیتی ارتش کشورهای غربی علیه ایران، ستون فقرات بازدارندگی جمهوری اسلامی دست نخورده باقی مانده است.

بی تردید این جنگ بی هزینه نبود؛ جان های عزیزی رفت و زیرساخت هایی آسیب دید. اما یک حقیقت بزرگ را در حافظه منطقه حک کرد: راهبرد مقاومت مثل هر راهبردی هزینه های خود را دارد، اما راهبرد تسلیم و سازش که منجر به خالی شدن دست ایران از بازوهای بازدارنده دفاعی و موشکی و تضعیف دوستان منطقه ای می شد می توانست به قیمت حذف ایران تمام شود. ■

نشان می دهد تا زمانی که رژیم در محاصره نیروهای مقاومت در منطقه بود، هیچ سناریوی حمله ای برای دشمنان ایران بدون ریسک نبود. سقوط دولت سوریه در ۱۸ آذر ۱۴۰۳ و تحت فشار قرار دادن حزب الله، دقیقاً همان متغیرهایی بودند که قفل دروازه های جنگ را باز کردند. دشمن بیش از ۲۰ سال قصد و برنامه و حتی نقشه تمرین شده حمله داشت؛ اما فرصت و جرأت آن را نداشت.

تحمیل ده ها میلیارد دلار خسارت به اقتصاد رژیم صهیونیستی و عبور موشک های ایرانی از سد پدافند با نرخ اصابت بالا و موثر (که افسانه نفوذ ناپذیری گنبد آهنین را باطل کرد)، نشان داد که ایران تعیین کننده میدان است. رهبر انقلاب در سخنرانی ششم آذر ۱۴۰۴، این واقعیت را در یک جمله راهبردی خلاصه کردند: «در جنگ دوازده روزه، ملت ایران هم آمریکا را شکست داد هم صهیونیست ها را... آمدند شارت کردند و دست خالی برگشتند.»

هدف پنهان غرب در جنگ ۱۲ روزه، فشار به مردم و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت و خالی شدن

سالی سه بار، برای بیست و دو سال.» این عدد تصادفی نیست. ۲۲ سال، دقیقاً با سال ۲۰۰۳ و آغاز پرونده هسته ای ایران هم پوشانی دارد؛ یعنی درست در همان روزهایی که دیپلمات های وزری خارجه سه کشور اروپایی با واسطه از آمریکا به کاخ سعدآباد می آمدند و ایران به تشخیص دولتمردان آن روز به صورت داوطلبانه و برای مدت محدود فعالیت غنی سازی اش را تعلیق کرد، در نیروی هوایی آمریکا، بمباران نطنز و فردو تمرین می شد.

گزارش واشنگتن پست تصریح می کند که سطح هماهنگی عملیاتی آمریکا و اسرائیل در «عملیات نارنیا» (ترور دانشمندان هسته ای در شب اول جنگ) بی سابقه بوده است. طبق این اسناد، طرح حمله نهایی در دیدار محرمانه فوریه ۲۰۲۵ میان نتانیاهو و ترامپ با بررسی «چهار گزینه» قطعی شده بود و مانورهای دیپلماتیک بعدی، از جمله «اولتیماتوم ۶۰ روزه»، صرفاً بخشی از عملیات فریب برای کاهش سطح هوشیاری پدافندی ایران بوده است.

تحلیل های مؤسسه امنیتی-صهیونیستی JINSA

گزارش تفصیلی مشترک واشنگتن پست و فرانت لاین با عنوان «کشتن اتاق فکر»، اگرچه با ادبیات پیروزمندانه غربی تنظیم شده، اما در بین سطور خود حامل اعترافی است که سال ها انکار می شد: تصمیم برای حمله به ایران، یک واکنش لحظه ای به بن بست دیپلماتیک دور جدید مذاکرات دوره دولت دکتر پزشکیان نبود، بلکه اجرای فاز نهایی یک پروژه «بیست ساله» بوده است؛ یعنی همان دستکش مخملی مذاکره روی پنجه ی چدنی همیشگی. جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ ناآهگانی نبود؛ فقط لحظه صفری طرحی قدیمی فرارسید.

چندی پیش نیز، تصویری معنادار منتشر شد: دونالد ترامپ در کاخ سفید از خلبانانی که عملیات «چکش نیمه شب» (Midnight Hammer) را علیه تأسیسات هسته ای فردو اجرا کردند، تقدیر می کند. اما جمله ای که ترامپ در آن نشست نقل کرد، می توانست از انفجار بمب های ۳۰ هزار پوندی GBU-۵۷ پرصداتر باشد: «خلبانان به من گفتند ما ۲۲ سال است که این مسیر را تمرین می کنیم؛

سلام بر رزمندگان اسلام، بر مدافعین وطن و مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی. عزیزان، محکم باشید، نترسید، لحظه ای لرزه به دل راه ندهید. ما ملت ایران محکم پشت شما هستیم. تا جان در بدن داریم، از شما، از نظام، از رهبری و از خاک این وطن دفاع می کنیم.

سلام بر رزمندگان اسلام
 این مسیر جز با ارادت

فرزند ایران

دلسوز خانواده

لیوان چای در دست مرد سرد می شود، اما همچنان آن را نگه داشته و می گوید: (برادرم حسین ۴۴ سالش بود. در شهر رستاق داراب به دنیا آمد. سال ۱۳۸۰ که مدرک کارشناسی اش را از دانشگاه شیراز گرفت به ارتش رفت.) مرد لیوان را روی فرش های خاکی رنگ می گذارد. همین طور که به نقطه ای خیره شده است می گوید: «داداش خیلی مقید به عبادت و نماز اول وقت بود، در مسافرت هم اول وقت جایی توقف می کرد تا نماز را موقع اذان اقامه کند. در روزه داری هم خیلی دقت می کرد. برای مسیر رستاق به داراب طوری زمان بندی می کرد که روزه اش حفظ شود. داداش حضرت آقا را خیلی دوست داشت و حس وطن دوستی شدیدی داشت. خیلی مهربان و دلسوز خانواده بود. برای من راهنما و مشاور خیلی خوبی بود. در مسائل شغلی و تحصیلی خیلی مدیونش هستم، به هر جا رسیدم به خاطر کمک های داداش است.» مرد چند بار دستش را روی محاسنش می کشد و می گوید: «داداش خیلی رازدار بود. ما حتی درجه ی او را نمی دانستیم و خبر نداشتیم که چه مسئولیت حساسی در ستاد کل نیروهای مسلح دارد.» در حمله موشکی روز ۲۳ خرداد، امیر سرتیپ دوم حسین روان همراه با سرلشکر باقری راهی آسمان شد. مزارش در گلزار شهدای شهر رستاق امید تازه ای برای اهالی شده است.  سیده اعظم الشریعه موسوی

قاب

با شهدا در بلندترین شب سال

خانواده های شهدای جنگ تحمیلی دوازده روزه به مناسبت شب یلدا ۱۴۰۴ بر سر مزار عزیزانشان حضور یافتند.



قطعه ۶۲ گلزار شهدای تهران

تحلیل

یک رژیم همیشه نیابتی

اردیبهشت ۱۳۲۷ شمسی؛ جنبش صهیونیسم، هم زمان با پایان قیمومیت بریتانیا بر فلسطین، اعلامیه ی استقلال اسرائیل را عمومی کرد. چند سال بعد از جعل اسرائیل روابط راهبردی با آمریکا تا حدی افزایش پیدا کرد که رژیم صهیونی عملاً نایب اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا علیه شوروی شد. فروپاشی شوروی مسئله جنگ سرد را حل کرد. در غرب آسیا باید مسئله ی فلسطین حل می شد. عرفات و اسحاق رابین، در کاخ سفید، زیر سایه ی کارفرمای پروژه پیمان صلح بستند تا مسئله ی فلسطین حل شود. رابین توسط تندروهای اسرائیلی ترور شد. در فلسطین هم از خاکستر سازش عرفات که نتیجه اش توسعه طلبی بیشتر اسرائیل بود، مقاومت اسلامی فلسطین جان گرفت برای همین اهالی غزه و کرانه ی باختری در سال ۱۳۸۵ قدرت را در یک فرایند دموکراتیک به حماس سپردند. غرب انتخاب مردم را تحریم کرد. اسرائیل قرار بود قطب سیاسی، نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی آمریکا در غرب آسیا شود اما طوفان الاقصی و مقاومت در فلسطین و لبنان و یمن و ایران، تا اطلاع ثانوی همه ی این برنامه ها را به هم ریخت. دعوا بر سر دو نوع نظم است: نظمی که می خواهد از بین جوامع بومی منطقه بجوشد با نظمی تحمیلی که آمریکایی ها می خواهند به منطقه حُفنه کنند. ابزار این حُفنه اسرائیل است.